

سه خورشید

درسوگ شهادت شمس الشموس(ع)

امام علی بن موسی الرضا (ع) در یازده ذی‌قعدة ۱۴۸ ق در شهر مدینه به دنیا آمد. پدر بزرگوار آن حضرت، امام موسی کاظم (ع) نام مبارک او را «علی» گذاشتند. کنیه آن حضرت «ابوالحسن» و مشهورترین لقبش «رضا» است. دیگر القاب آن امام همام عبارتند از: «صابر»، «فاضل»، «رضی»، «وفی»، «صدیق»، «زکی»، «سراج الله» و «نور الهدی». نام اصلی امام هشتم علی بن موسی (ع) و لقب یا نام مشهور آن حضرت رضا است. امامت امام رضا (ع) در سال ۱۸۳ هـ ق با شهادت امام کاظم (ع)، امامت امام رضا (ع) شروع شد. آن حضرت ۳۵ سال بیشتر نداشتند که زمام امور امامت را به دست گرفتند و هدایت و راهنمایی فکری و اعتقادی جامعه اسلامی را عهده دار شدند. امام کاظم (ع) در فرصت‌های مختلف به معرفی امام رضا (ع) به عنوان امام و وصی بعد از خود می‌پرداختند و از یاران و شاگردان خود بر این امر مهم گواهی می‌گرفتند. مدت امامت آن حضرت بیست سال طول کشید که هفده سال آن در مدینه و سه سال آخر آن در خراسان سپری شد. امام رضا (ع) پنج سال آخر امامت خود را در دوران خلافت مأمون عباسی سپری کردند. مأمون عباسی که پس از قتل برادر خود، امین به عنوان هفتمین خلیفه عباسی بر مسند خلافت نشسته بود، از چند جهت ارکان حکومت خود را در خطر می‌دید. مأمون عباسی که خلافت خود را از چند طریق مورد تهدید می‌دید، تصمیم به آوردن امام رضا (ع) از مدینه به مرو گرفت تا با پیشنهاد خلافت یا ولایت عهدی به امام رضا (ع)، مقداری از فشارها و تهدیدهای احتمالی از سوی علویان و ایرانیان را فرو نشانند و مردم با دیدن حضور امام رضا (ع) در دستگاه خلافت مأمون، از شورش و مخالفت منصرف شوند. مأمون در اجرای این تصمیم، چندین نامه و پیام دعوت به امام فرستاد. امام (ع) این دعوت‌ها را رد می‌کردند، اما مأمون باصرار و یافشاری بسیار امام (ع) را تاگرز کرد که به سوی خراسان حرکت کند. مأمون گروهی را به فرماندهی «رجاء بن ابی ضحاک» مأمور آوردن امام رضا (ع) و همراهانشان از راه بصره و اهواز و فارس کرد. شواهد بسیاری در دست است که امام رضا (ع) از سفر به خراسان ناخشنود بود و پیوسته ناخشنودی خود را برای مردم آشکار می‌فرمود و با این روش، حجت را بر مردم تمام می‌کرد، تا فریب تفرند مأمون را نخورند و بدانند که او فریب مأمون را نخورده، بلکه برای مصلحت اسلام و مسلمین این سفر را پذیرفته است.

شهادت جانشین امام رضا(ع)

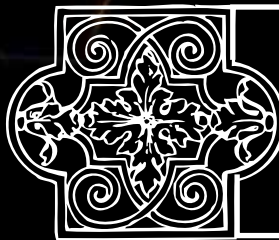
مأمون که برای حفظ حکومت خود امام رضا (ع) را از مدینه به مرو آورده بود و با تفرندهای خود و اطرافیان به اهداف خود نرسیده بود، وقتی که رفتار و قاطعیت آن حضرت را دید، دریافت که گفتار و رفتار آن حضرت در نهایت موجب ضعف و تزلزل حکومت او می‌شود و از سوی دیگر عباسیان همواره در مورد ولایت عهدی امام رضا (ع) مأمون را تهدید می‌کردند و به او هشدار می‌دادند. در نتیجه وی تصمیم گرفت که آن حضرت را به گونه‌ای از میان ببرد، اما کاملاً مراقب بود که این عمل محرمانه انجام شود تا مسئله جدیدی برای حکومتش پیش نیاید؛ از این رو با مسوم کردن آن حضرت به هدف خود رسید. امام (ع) در روز آخر صفر بر اثر زهر مسوم و دعوت حق را الیک گفت و به اجداد پاکش پیوست.

صفحه‌ای برای گسترش و ترویج

فرهنگ، آداب و اندیشه دینی

تهیه و تنظیم: ستاد اقامه نماز

وزارت نفت



سوگ رحلت نبی اکرم(ص)

طغیان و امی دارد روز می‌گناری، به اندک قناعت نمی‌کنی و از بسیار سیر نمی‌شوی. (نهج الفصاحه ص ۱۵۹، ج ۲۴)
 از نفرین مظلوم بپرهیز زیرا وی به دعا حق خویش را از خدا می‌خواهد و خدا حق را از حق دار دریغ نمی‌دارد. (نهج الفصاحه ص ۱۶۱، ج ۲۵)
 از استعمال سنگ حرام در ساختمان بپرهیزید که مایه ویرانی است. (نهج الفصاحه ص ۱۶۲، ج ۲۸)
 عبادت هفتاد جزء است و بالاترین و بزرگترین جزء آن کسب حلال است. (مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل ج ۱۳، ص ۱۲، ج ۱۴۵۸۵)
 از فراست مؤمن بترسید که چیزها را با نور خدا می‌نگرد. (کافی - ط - الاسلامیه ج ۱، ص ۲۱۸، ج ۳)
 از نفرین مظلوم بترسید که چون شعله آتش بر آسمان می‌رود. (نهج الفصاحه ص ۱۶۳، ج ۴۷)
 برای هر چیزی زکاتی است و زکات بدنهاروزه است. (کافی - ط - الاسلامیه ج ۴، ص ۶۲)
 دو چیز را خداوند در این جهان کبیر می‌دهد: تعدی و ناسپاسی پدر و مادر. (نهج الفصاحه ص ۱۶۵، ج ۵۸)
 هر کس از شما در خوردن قسم جدیتر است به جهنم نزدیکتر است. (نهج الفصاحه ص ۱۶۶، ج ۶۴)
 در طلب دنیا معتدل باشید و حرص نزنید، زیرا به هر کس هر چه قسمت اوست می‌رسد. (شرح فارسی شهاب الاخبار ص ۳۲۰، ج ۵۱۸)
 رمضان ماهی است که ابتدایش رحمت است و میانه‌اش مغفرت و پاتانش آزادی از آتش جهنم. (کافی - ط - الاسلامیه ج ۴، ص ۶۷ - بحار الانوار - ط - بیروت) ج ۹۳، ص ۳۴۲، ج ۱۴)
 بهترین کارها در نزد خدا نماز به وقت است، آنگاه نیکی به پدر و مادر، آنگاه جنگ در راه خدا. (نهج الفصاحه ص ۱۶۷، ج ۷۰)

بهودی فهمید رسول خدا (ص) به دیدنش آمده، خجالت را بر سر خود کشید. حضرت (ص) وارد شد و احوال پرسی را خواست و پیامبر (ص) عذرش را پذیرفت. او در اثر این سلام آوردن از یاران پیامبر (ص) شد. در فتح مکه، مخالفان ندانند، به کعبه پناه برده بودند و در انتظار دستور رسول خدا (ص) بودند. در جمع آنان حاضر شد و پس از حمد و شکر تحقق بخشیده بود، رو به مردم کرد و فرمود: «چه گمان در باره شما چه بگوئیم؟» آنان در پاسخ گفتند: «ما از تو می‌تویراد که بریم و بزرگوار و فرزندان بزرگوار مایی. اکنون رسول خدا (ص) خطاب به آنان فرمود: «هن در باره شما، همان است در باره برادرانتش هنگام پیروزی گفت: امروز بر شما ما را می‌آمرزد و او مهربان‌ترین مهربانان است.» آنگاه قریش و فرزندان «امیه» فرمود: «بروید که شما آزاد

فقد حدیث از پیامبر(ص)

۱- سخن به دروغ بگوید. ۲- از وعده تخلف کند. ۳- در عقول ص ۳۱۶)
 خیر بیندازد. (فرادی قیامت) به شفاعت من نخواهد رسید
 در پیش خدا طلاق است. (نهج الفصاحه ص ۱۵۷، ج ۱۶)
 که ناسازگاریش اندک باشد و سازگاریش بسیار (تنبیه لم است و خاطر آسوده است و قوت یک روز خویش
 نهج الفصاحه ص ۱۵۹، ج ۲۳)
 و از رفع کند در دسترس خود داری و در پی آنچه تو را به